





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده اندیشه سیاسی؛ انقلاب و تمدن اسلامی

رساله دکتری رشته انقلاب و تمدن اسلامی

تأثیر ظهور جریانات تکفیری بر تمدن نوین اسلامی

استادان راهنما:

دکتر فرهاد زیویار

دکتر شهرام یوسفی فر

استادان مشاور:

دکتر محمود جنیدی

دکتر محمد امیر احمدزاده

پژوهشگر:

رحیم امرایی

شهریورماه ۱۳۹۵

سپاس نامه:

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد؛ او که به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت. از زحمات اساتید ارجمند راهنما دکتر فرهاد زیویار و دکتر شهرام یوسفی فر، همچنین اساتید محترم مشاور دکتر محمود جنیدی و دکتر محمد امیر احمد زاده که با رهنمون ها و ارشادات مفید خود بنده را در تدوین این رساله یاری نموده اند؛ کمال تشکر را دارم.

تقدیم به همسر م:

که وجود مهربانش سایه سار زندگی م می باشد، او که اسوه ای از صبر و تحمل بوده و مشکلات مسیر را
برای م تسهیل نمود.

چکیده:

تمدن نوین اسلامی تاکنون تحقق نیافته و به منظور تحقق یافتن نیازمند مولفه‌ها و شاخصه‌های سیاسی و فرهنگی است. دین، حکومت دینی، مردم سالاری، وحدت، امنیت، عدالت، عقلانیت و اخلاق از مهم‌ترین مبانی تمدن نوین اسلامی هستند. سوال اصلی تحقیق حاضر این است که آرمان و رویکرد عملی گروه‌های تکفیری چه تأثیراتی بر مولفه‌های اصلی تمدن نوین اسلامی از جمله الگوی اسلامی در حکومت دینی، مردم سالاری، وحدت، امنیت، عقلانیت و اخلاق گذاشته است؟ مبانی فکری و سیاسی و عملکرد گروه‌های تکفیری در تضاد با مبانی تمدن نوین اسلامی است. و هدف ما در بررسی تأثیر گذاری جریان‌های تکفیری بر تمدن نوین اسلامی، تبیین تضادهای اساسی است که میان مولفه‌های تمدن نوین اسلامی و اصول غیر دینی و عقل‌گریز گروه‌های تکفیری وجود دارد. این تضاد در آرمان و اهداف سیاسی و منطقه‌ای گروه‌های تکفیری و روش‌های دسترسی آنها به این اهداف از جمله فرقه‌سازی و تکفیر مسلمانان و ابراز خشونت قابل بررسی است. با ریشه‌شناسی اعتقادات گروه‌های تکفیری در آرمان و الگوی حکومتی مورد نظر آنها، و بیان اختلاف عقائد آنها با عقائد فرقه‌های شیعه و سنی، و تأکید بر تفرقه‌گرایی و فرقه‌سازی و ابراز خشونت و تکفیر مسلمانان، تضاد مبانی و عملکرد گروه‌های تکفیری با مبانی مورد نیاز جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی، تبیین می‌شود. دستاورد این تحقیق روشن نمودن تضاد آرمان و اهداف سیاسی کوتاه‌مدت و بلندمدت جریان‌های تکفیری با مبانی تمدن نوین اسلامی و به حاشیه کشاندن جریان بیداری اسلامی و ممانعت از ایجاد، رشد و گسترش تمدن نوین اسلامی است.

واژگان کلیدی: جریان‌های تکفیری، تمدن نوین اسلامی، خلافت راشد، سلطنت موروثی، بیداری اسلامی، فرقه‌سازی.

فهرست مطالب

فصل اول:	۱
کلیات	۱
بخش اول (سوال و فرضیه):	۲
۱-۱. مسأله پژوهش:	۲
۲-۱. قلمرو پژوهش:	۲
۳-۱. اهمّیت و ضرورت پژوهش:	۳
۴-۱. اهداف پژوهش:	۳
۵-۱. سوال های پژوهش:	۴
۶-۱. فرضیه پژوهش:	۴
۷-۱. روش انجام پژوهش:	۵
۸-۱. روش جمع آوری اطلاعات:	۶
۹-۱. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:	۶
۱۰-۱. تعریف مفاهیم اصلی:	۶
۱۱-۱. بررسی تاریخچه موضوع:	۱۲
۱۲-۱. بررسی تئوری های علمی مرتبط با موضوع:	۱۴
۱۳-۱. رویکرد نظری تحقیق:	۱۵
فصل دوم:	۱۸
ملزومات سیاسی فرهنگی در تحقّق تمدّن نوین اسلامی	۱۸
۱-۲. مقدمه:	۱۹
۲-۲. تشکیل نظام های مردم سالار و دینمدار:	۱۹
۳-۲. حرکت مصلحان اجتماعی در نقد و اصلاح نظام های سلطنتی:	۲۲

- ۲-۳-۱. اشکال کواکبی و علامه نائینی بر استبداد و سلطنت: ۲۳
- ۲-۳-۲. خودباوری و وحدت نظر در رفع استبداد و ایجاد نظام های مردم سالار: ۲۶
- ۲-۵. رویارویی و تقابل تمدن نوین اسلامی با تمدن غربی: ۴۱
- ۲-۶. تغییر رویکرد تقابل با تمدن غربی به تقابل درون تمدنی در جهان اسلام: ۴۳
- ۲-۷. حفظ استقلال و تمامیت ارضی ملل اسلامی در تمدن اسلامی: ۴۷
- ۲-۸. تلاش غرب در ترویج بنیادگرایی در جهان اسلام: ۴۹
- ۲-۹. تساهل و تسامح با دیگر فرهنگ ها در تمدن نوین اسلامی: ۵۳
- ۲-۱۰. نتیجه گیری: ۵۸
- فصل سوم: ۵۹**
- تعالی بیداری اسلامی در آینده تمام نمای ایران اسلامی ۵۹**
- ۳-۱. مقدمه: ۶۰
- ۳-۲. بیداری اسلامی و زدودن رکود در تمدن اسلامی: ۶۰
- ۳-۳. لزوم اراده و مسئولیت پذیری عمومی در بیداری اسلامی: ۶۲
- ۳-۴. روح جمعی جوامع و ملت ها: ۶۵
- ۳-۴-۱. روح جمعی ملت ایران و استقبال عملی از بیداری اسلامی: ۶۷
- ۳-۴-۱-۱. مبارزه ملت با سیاست های استبدادی و خفقان بار سلطنتی: ۷۰
- ۳-۴-۱-۲. رشد بینش سیاسی و شهادت طلبی ملت ایران، عامل شکست استبداد و استعمار: ۷۲
- ۳-۵. الگو برداری از مردم سالاری دینی ایران در بیداری اسلامی: ۷۳
- ۳-۵-۱. تقابل سیاست خارجه آمریکا با الگوگیری از ایران در بیداری اسلامی: ۷۵
- ۳-۵-۲. تضاد استکبار جهانی و نظام سلطنتی با بیداری و مردم سالاری دینی: ۷۶
- ۳-۵-۳. تشدید جریان تکفیری، عکس العملی در برابر تشدید بیداری اسلامی: ۷۷
- ۳-۶. حفظ و بقای انقلاب های مردم سالار: ۷۹
- ۳-۶-۱. تعیین رهبر در حکومت مردم سالار دینی بر مبنای معیارهای دینی: ۸۱
- ۳-۶-۲. لزوم تناسب سیاست ها با امور عامه در انقلاب ها: ۸۲
- ۳-۶-۳. اطاعت پذیری از رهبری و نبرد با دشمنان انقلاب: ۸۴

۸۹.....	۷-۳. نتیجه گیری:
۹۲.....	فصل چهارم:
۹۲.....	تکفیر حدّ اقلی در اسلام و افراط علمای وهّابی در تکفیر
۹۳.....	۱-۴. مقدمه:
۹۳.....	۲-۴. اسلام و مانعیت جهل و تأویل در تکفیر مسلمانان:
۹۷.....	۳-۴. رویکرد تکفیر گرای ابن حنبل:
۹۹.....	۴-۴. تداوم و توسیع رویکرد تکفیری ابن حنبل در رویکرد تکفیری ابن تیمیّه:
۱۰۰.....	۵-۴. تکفیر افراطی نظام های مردم سالار دینی توسط داعش:
۱۰۴.....	۱-۵-۴. عدم تکفیر خوارج توسط ائمه و بزرگان دین و منع تکفیر در اسلام:
۱۰۵.....	۶-۴. تضاد روایات با تکفیر مسلمانان:
۱۰۷.....	۷-۴. ترویج و گسترش موج تکفیر در سده های اخیر:
۱۰۸.....	۱-۷-۴. ورود فروعات به دایره تکفیر در رویکرد وهّابیان وابسته به سلطنت:
۱۰۹.....	۲-۷-۴. ورود فروعات اختلافی به دایره تکفیر در رویکرد بن باز:
۱۱۰.....	۳-۷-۴. عدم مدخلیت مخالفت عملی در تکفیر از دیدگاه البانی:
۱۱۱.....	۴-۷-۴. عدم مدخلیت فروعات در تکفیر:
۱۱۳.....	۸-۴. تکفیرهای بی رویه و خشونت افراطی در رویکرد علمای وهّابی:
۱۱۵.....	۹-۴. نتیجه گیری:
۱۱۸.....	فصل پنجم:
۱۱۸.....	فرقه سازی خواصّ، عاملی در ایجاد و ابقای نظام سلطنتی
۱۱۹.....	۱-۵. مقدمه:
۱۱۹.....	۲-۵. تاثیر خوارج افراطی - تکفیری در استقرار نظام های سلطنتی:
۱۲۱.....	۱-۲-۵. تلاش گروه های تکفیری برای احیای نظام سلطه در دهه اخیر:
۱۲۲.....	۳-۵. جهت دهی سلطنت طلبان به مهره های فرصت طلب تکفیری:
۱۲۳.....	۱-۳-۵. جهت دهی سلاطین منطقه و جبهه استعمار به تکفیری ها در دهه اخیر:
۱۲۶.....	۴-۵. رفتارهای دین گریز گروه های تکفیری:

- ۵-۵. در حاشیه قرار گرفتن جریان تکفیر: ۱۲۷
- ۵-۶. ایستایی و عدم تحرک، رویکرد جایگزین تکفیر در نظام سلطه: ۱۲۹
- ۵-۶-۱. استقرار سلطنت و پیدایش فرقه های پشتیبان: ۱۳۱
- ۵-۶-۱-۱. فرقه مرجئه و جبریه: ۱۳۳
- ۵-۷. بی تحرکی دین و مردم در تفکر «جدایی دین از سیاست»: ۱۳۵
- ۵-۷-۱. سوء برداشت از مفهوم زهد و تقوا: ۱۳۷
- ۵-۷-۲. درک غلط از توکل و انتظار: ۱۳۹
- ۵-۸. خیزش عمومی و ناگهانی جریانات تکفیری در برخی برهه های تاریخی: ۱۴۰
- ۵-۹. تفاوت های عمده بیداری اسلامی با رویکرد تکفیر گرا: ۱۴۲
- ۵-۹-۱. مردمی بودن قیام و تاکید مسالمت آمیز بر الگوی مردم سالاری: ۱۴۲
- ۵-۹-۲. عدم همراهی و هماهنگی حکومت های مردمی با اهداف استکبار: ۱۴۴
- ۵-۱۰. نتیجه گیری: ۱۴۵
- فصل ششم: ۱۴۷**
- بررسی نظام سلطنتی و عملکرد تغلّبی آن ۱۴۷**
- ۶-۱. مقدمه: ۱۴۸
- ۶-۲. سلطنت موروثی در امتداد خلافت جعلی: ۱۴۸
- ۶-۳. تبدل خلافت به سلطنت و قبضه ی قدرت سیاسی در یک خاندان: ۱۵۰
- ۶-۵. شروع سلطنت و مخالفت صحابه و بزرگان اهل سنت: ۱۵۴
- ۶-۵-۱. قیام امام حسین علیه السلام علیه نظام سلطنتی: ۱۵۵
- ۶-۶. خصوصی سازی بیت المال در الگوی حکومتی خلافت و سلطنت: ۱۵۷
- ۶-۷. مشابهت نظام سلطنت تکفیری در ازدیاد ظلم با دیگر نظام های سلطنتی: ۱۵۸
- ۶-۸. تخریب و قتل عام مخالفین در نظام های سلطنتی: ۱۶۱
- ۶-۹. تاثیر خواص در ایجاد نظام سلطنت موروثی: ۱۶۳
- ۶-۱۰. تاثیر خواص سوء در ابقای نظام سلطنتی در قرون گذشته: ۱۶۵

- ۱۱-۶. علما و خواصّ درباری و ابقای سلطنت در قرن اخیر: ۱۶۸
- ۱۲-۶. تاثیر خواصّ در ایجاد و ابقای القاعده و داعش: ۱۶۹
- ۱۳-۶. نتیجه گیری: ۱۷۳
- ۱-۷. مقدمه: ۱۷۸
- ۲-۷. الگوی اصیل حکومتی اسلام و رابطه دوسویه خواست الهی با عملکرد مردم: ۱۷۹
- ۱-۲-۷. لزوم شاخص بودن اقبال و ادبار مردم در تشکیل حکومت: ۱۸۲
- ۳-۷. گونه های مختلف تحقّق اراده الهی با اراده مردمی در حکومت اسلامی: ۱۸۴
- ۱-۳-۷. پیگیری عملی خلافت برگزیدگان الهی از جانب مردم: ۱۸۴
- ۲-۳-۷. عدم پیگیری عملی خلافت برگزیدگان الهی از جانب مردم: ۱۸۵
- ۴-۷. ضرورت احیای خلافت راشده از منظر جریانات تکفیری: ۱۸۷
- ۵-۷. اشکالات مهم نظام حکومتی بر مبنای الگوی خلافت راشده: ۱۸۸
- ۱-۵-۷. عدم لحاظ خواست و اراده الهی در خلافت راشده: ۱۸۸
- ۱-۱-۵-۷. اذعان به برتری روش نقلی حدیثی بر شورای خلافت راشده: ۱۸۹
- ۲-۱-۵-۷. قطعیت تعیین جانشین از جانب پیامبر (ص): ۱۹۰
- ۳-۱-۵-۷. عدم تطابق خواست برخی صحابه با خواست الهی در خلافت پیامبر (ص): ۱۹۵
- ۲-۵-۷. عدم ظهور خواست و اراده مردمی در خلافت سه خلیفه نخست: ۱۹۷
- ۱-۲-۵-۷. تاثیر سلاطین و امیال شخصی در سقیفه: ۲۰۰
- ۲-۲-۵-۷. عدم پشتیبانی عمومی از جانشینی علی علیه السلام: ۲۰۱
- ۳-۵-۷. منزوی کردن مردم در خلافت سه خلیفه نخست در صدر اسلام: ۲۰۲
- ۱-۳-۵-۷. انزوای مردم در الگوی خلافت شورایی مورد نظر گروه های تکفیری: ۲۰۳
- ۲-۳-۵-۷. انحصاری بودن قدرت در میان سران تکفیری: ۲۰۵
- ۴-۵-۷. خلافت راشده و تفرقه در امت اسلام: ۲۰۷
- ۵-۵-۷. توجیه عدم مشروعیت چند خلیفه نخست و کسب مقبولیت: ۲۱۱
- ۶-۵-۷. خلافت شورایی زمینه ساز برقراری الگوی سلطنت موروثی: ۲۱۲
- ۱-۶-۵-۷. اشکال سیّد قطب بر خلافت راشده و نظام شورایی: ۲۱۴
- ۶-۷. سوء استفاده از مفهوم شورا در جریانات سیاسی: ۲۱۶

۷-۷. نتیجه گیری: ۲۱۹

منابع فارسی: ۲۲۵

مقالات: ۲۳۶

منابع خبری: ۲۳۸

منابع لاتین: ۲۳۹

در این تحقیق پس از بیان کلیّاتی از تمدّن و نوع حکومت و مردم سالاری و سلطنت و رویکرد نظری بحث در فصل نخست و بیان مشخصه های مهمّ تمدّن نوین اسلامی همچون لزوم تشکیل نظام های مردم سالار و لزوم رویکرد تساهل و تسامح در جهان اسلام در فصل دوّم، به انحراف کشاندن جریان «بیداری اسلامی» که نتیجه تبلور مولفه های عقلانیّت و دیانت در دهه های اخیر است، به عنوان مهم ترین هدف سیاسی سلاطین منطقه و جبهه استکبار در تشکیل و پشتیبانی از جریانات تکفیری، در فصل سوّم بررسی می شود؛ دو مولفه دیانت و عقلانیّت در بیداری اسلامی تبلور یافته اند و خواست ملل اسلامی را برای تشکیل نظام های مردم سالار تشدید نموده اند؛ مقابله با الگوی مردم سالاری و تاکید بر نظام سلطنتی، تقابل گروه های تکفیری را با مولفه های تمدن نوین اسلامی نشان می دهد.

می بایست «تضاد رویکرد علمای تکفیری با عقلانیّت و دیانت اسلامی»، به صورت مستقلّ بررسی شود تا مشخص شود همخوانی و تناسبی میان رویکرد تکفیر با اسلام و اصول اسلامی^۱ وجود ندارد. علاوه بر عدم تناسب تکفیر مسلمانان با مبانی و اصول اسلامی که در فصل چهارم بحث می شود، در فصل پنجم کیفیت دامن زدن نظام های سلطنتی به تشکیل جریانات تکفیری و پشتیبانی از آنها تحلیل می شود. مسئله «فرقه سازی و سوء استفاده های سیاسی از آن» نقش مهمّی در خدمت به سلطنت داشته است؛ ایجاد تمدّن نوین اسلامی به شدّت نیازمند وحدت و انسجام اسلامی است و فرقه سازی و تفرقه گرایی جریان تکفیر نقطه مقابل وحدت و انسجام در دنیای اسلام است. جریان تکفیر تحت تاثیر سیاست فرقه سازی و با هدف خدمت به نظام سلطنتی به وجود آمده است؛ هرچند برخلاف دیگر گروه های وابسته به نظام سلطنتی، ساز و کار مخصوص به خود را دارند. علاوه بر مباحث مذکور، بررسی و نقد منصفانه و دقیق جریانات تکفیری و تاثیر آن بر تمدن نوین اسلامی، نیازمند شناخت ژرف و عمیق از آرمان و هدف سیاسی و رویکرد عملی این جریانات است. به همین منظور در فصل ششم تشکیل دولت های منطقه ای را در قالب «نظام های سلطنتی موروثی»، به عنوان رویکرد عملی جریانات تکفیری، بررسی و نقد خواهیم نمود. در تکمیل این مساله، آرمان بلند مدتّ جریانات تکفیری در اندیشه سیاسی آنها با عنوان «احیای خلافت راشده» می بایست طرح و نقد شود. طرح این آرمان سیاسی غلط و اشکالات و تضادّ آن با الگوی حکومتی اصیل در اسلام به تفصیل در فصل هفتم بحث خواهد شد. در فصل ششم و هفتم تحلیل می شود که «نظام سلطنتی» به عنوان اندیشه و هدف سیاسی و «احیای خلافت راشده» به عنوان آرمان سیاسی نهایی گروه های تکفیری، نمی توانند تمدّن نوین اسلامی را ایجاد کند و موانعی اساسی در مسیر ایجاد این تمدّن هستند.

^۱ دین اسلام و عقلانیّت دینی از مهم ترین اصول و پایه های تمدّن نوین اسلامی هستند.

فصل اوّل:

کلیات

بخش اول (سوال و فرضیه):

۱-۱. مسأله پژوهش:

در بررسی ظهور جریانات تکفیری و بررسی تاثیر آن بر تمدن نوین اسلامی، مسأله مهم این است که جریانات تکفیری در عملکرد سیاسی خود شدیداً ادعای دینمداری و عقلانیت دارند و به ظاهر در راستای ایجاد شاخصه های تمدن نوین اسلامی (یعنی عقل گرایی، دین مداری، و حاکمیت دینی) گام بر می دارند در صورتی که واقعیت امر خلاف این موضوع است. روشن نمودن تضاد آرمان و اهداف و عملکرد سیاسی گروه های تکفیری با شاخصه های تمدن نوین اسلامی، مسأله اصلی تحقیق حاضر است؛ به جهت عدم شناخت کافی از حقیقت این جریان ها و اکتفا به ادعاهای و شعارهای ظاهری آنها، تعداد فراوانی از مسلمانان به خصوص برخی از تحصیل کرده ها جذب این گروه ها شده اند و متأسفانه به واسطه عدم روشنگری، این روند همچنان ادامه دارد.

۱-۲. قلمرو پژوهش:

قلمرو مکانی این تحقیق ناظر به کشورهای افغانستان و عراق و سوریه است که مرکز به وجود آمدن گروه های تروریستی القاعده و داعش هستند و منظور از جریانات تکفیری هم بیشتر ناظر به القاعده و داعش است که در دهه اخیر با فعالیت شدید و ظهور خود، جریانات سیاسی جهان اسلام را به شدت تحت تاثیر قرار داده اند. از آن جهت که الگوی سیاسی سلطنت مورد تاکید جریانات تکفیری است و این الگو در عربستان، بحرین، قطر و دیگر سلطنت های منطقه مورد تبعیت و پشتیبانی نظام های حاکم است، قلمرو مکانی این دسته از کشورهای اسلامی را هم در بر می گیرد لکن تاکید ما بر گروه های تروریستی القاعده و داعش در افغانستان، عراق، سوریه و بررسی نقش سلطنت سعودی و استعمار آمریکا بر آن است. قلمرو زمانی پژوهش و دوره زمانی مورد تاکید ما، اوایل دهه شصت هجری شمسی و زمان تشکیل گروه القاعده تا سال های اخیر است. قلمرو موضوعی بر محور اندیشه و زمینه های ظهور جریانات تکفیری و بررسی تاثیر آن بر روند شکل گیری تمدن نوین اسلامی قرار دارد و مباحث متناسب با این موضوع از تاریخ اسلام و تمدن اسلامی ناظر به عقل گرایی در انحراف از جانشینی پیامبر(ص)، نظریه خلافت اسلامی و اشکالات وارد بر آن، اختلافات شیعیان و اهل سنت در زمینه خلافت، شدت تکفیر فقهای درباری آل سعود، نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی، بیداری اسلامی و تاثیر آن در برون رفت از سلطنت تغلبی،

تاثیر جریان‌ات عقل‌گریز بر انحراف از تمدن نوین اسلامی و عقلانیت و عقل‌گریزی جوامع اسلامی و... مطرح می‌شود.

۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش:

عدم حاکمیت مقتدر سیاسی در کشورهای افغانستان و سوریه و عراق، و وجود نظریه احیای خلافت اسلامی، این مناطق را به محل مناسبی برای تشکیل گروه‌های تکفیری و تروریستی تبدیل کرده و عدم شناخت مبنایی گروه‌های تکفیری باعث شده روز به روز تعدادی از مسلمانان به این جریان‌ات بپیوندند. در شرایط کنونی، شناساندن تضاد و تعارض ارکان تمدن نوین اسلامی با مبانی و عملکرد تکفیری‌ها، لازم و ضروری است و برای تصحیح افکار مسلمانان و غیرمسلمانانی که این جریان را منسوب به اسلام و ملل اسلامی می‌دانند، ضروری است روشن شود که این جریان جدای از تفکر اسلامی، و در تضاد با مولفه‌های تمدن نوین اسلامی است.

۱-۴. اهداف پژوهش:

تبیین مولفه‌های تمدن نوین اسلامی و شناساندن تعارض این مولفه‌ها با مولفه‌های جریان‌ات تکفیری، هدف اصلی این پژوهش است که اهداف ذیل را تأمین خواهد نمود.

الف) شناخت مبانی تمدن نوین اسلامی و تحلیل تاثیر جنبش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران در تحقق این تمدن در آینده و مقابله جریان‌ات تکفیری با مسیر انقلاب و جنبش‌ها و جریان‌ات اسلامی و همسویی آن با نظام سلطه از اهداف اصلی تحقیق حاضر است.

ب) بیان تعارض‌های دین و عقل با نظریه خلافت تغلبی که مورد نظر جریان‌ات تکفیری است به همراه تبعات برپایی خلافت تغلبی از جمله ایجاد تفرقه و فتنه و ضعف در ممالک اسلامی و قتل عام گسترده مسلمانان و انحصار قدرت و ثروت در یک خاندان حکومتی، هدف بعدی است که تبیین‌کننده همسویی اهداف استعمارگران با اهداف گروه‌های تکفیری است.

ج) در برخی از مسائل عمده، مبنای فرقه‌های اسلامی با مبنای گروه‌های تکفیری متضاد است. به عنوان مثال در مساله تکفیر سیاسی و حدود آن و نوع حکومت، اختلاف وجود دارد. از آنجا که جریان‌ات تکفیری در عملکرد سیاسی خود و همچنین تکفیر دیگر مسلمانان، به شدت ادعای دینمداری و عقلانیت دارند، شناخت شاخصه‌های صحیح دینی، عقلی، و سیاسی (بر مبنای اصول مشترک و پذیرفته شده میان تشیع و اهل سنت)، و بیان تعارض آن با شاخصه‌های تکفیری‌ها از

اهداف اولیه این تحقیق می باشد. بیان تعارض های اساسی از منظر دین و عقل (به عنوان مولفه های اساسی تشکیل تمدن نوین اسلامی) بر اصول غیر دینی و عقل گریز گروه های تکفیری در تحقق این هدف انجام می شود.

۱-۵. سوال های پژوهش:

الف) نظریه «خلافت تغلبی» منتسب به گروه های تکفیری، در چه مواردی با حکومت اصیل اسلامی اختلاف عمیق و مخاطره انگیز دارد؟ و برپایی خلافت تغلبی چه تاثیری در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد داشت؟

ب) عناصر اصلی تشکیل تمدن نوین اسلامی کدامند؟

ج) نقش جمهوری اسلامی ایران و قدرت های بزرگ همچون آمریکا و سلطنت های منطقه همچون عربستان، قطر و کویت در تحقق یا عدم تحقق تمدن نوین اسلامی چیست؟

۱-۶. فرضیه پژوهش:

الف) نظریه «خلافت تغلبی» در تضاد جدی با مبانی حکومت دینی مردم سالار است. از اصلی ترین ویژگی های نظریه «خلافت تغلبی»، تکیه بر زور و غلبه نظامی و بی توجهی به خواست و اراده الهی و مردمی در نوع حکومت است. برپایی «خلافت تغلبی» تاکنون جهان اسلام را با چالش مواجه کرده و تبعات منفی رویکرد خلافت تغلبی، تحقق تمدن نوین اسلامی را با تاخیر مواجه نموده است.

ب) عقلانیت، تدین، اخلاق، حکومت دینی، مردم سالاری، برقراری امنیت و عدالت و حفظ وحدت از مهم ترین عناصر تمدن نوین اسلامی هستند.

ج) حکومت دینی، مردم سالاری، دینمداری و عقلانیت در الگوی حکومتی جمهوری اسلامی ایران تحقق یافته و در تحقق تمدن نوین اسلامی تاثیر بسزا دارد. تضعیف سیاسی حکومت های اسلامی مردم سالار، به خصوص کشورهای که از مدل حکومتی مردم سالاری دینی در ایران الگوبرداری نموده اند همچون عراق، سوریه، افغانستان و یمن، با سلب ثبات و امنیت در این مناطق، شرایط مطلوب آمریکا و استعمارگران است. برخی کشورهای اسلامی از جمله عربستان و قطر و کویت، هماهنگ با اهداف آمریکا عمل می نمایند و با تجهیز و پشتیبانی از جریانات تکفیری، مانع الگوبرداری از حکومت مردم سالار ایران و عامل حفظ نظام سلطنتی در جهان اسلام هستند.

بخش دوم (روش‌شناسی پژوهش):

۱-۷. روش انجام پژوهش:

روش این پژوهش، توصیفی و تحلیلی خواهد بود. روشنگری در تأثیر جریان‌ات تکفیری بر تمدن نوین اسلامی نیازمند الف) بحث از شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی است ب) نیازمند شناخت مبانی فکری و سیاسی جریان‌ات تکفیری است ج) در این صورت این مبانی با هم امکان مقایسه دارند و می‌توان تضاد آنها را نشان داد. در این تحقیق، تشکیل تمدن نوین اسلامی از بعد مردم‌سالاری و مقایسه آن با نظام‌های استبدادی و وابسته به تمدن غرب، بررسی می‌شود و از منظر جانبداری از مردم‌سالاری دینی و تمدن نوین اسلامی بحث خواهد شد. با شناخت اعتقادات گروه‌های تکفیری، و تبیین اختلاف عقائد و آرمان و هدف سیاسی آنها با فرقه‌های شیعه و سنی، همچنین توجه به عملکرد گروه‌های تکفیری و نتایج آن، تعارض مبانی و عملکرد گروه‌های تکفیری با مبانی دینی و عقلی و اخلاقی مورد نیاز در تحقق تمدن نوین اسلامی، تبیین می‌شود و تبعات عملکرد گروه‌های تکفیری را در ابعاد فکری، فرهنگی و سیاسی بر تمدن نوین اسلامی بررسی خواهیم نمود. در سه فصل نخست بحث از تمدن نوین اسلامی و شاخصه‌های آن صورت می‌پذیرد و لزوم تحقق نظام‌های مردم‌سالار در جریان بیداری اسلامی و تداوم مسیر بیداری اسلامی مطرح می‌شود. در این مسیر الگودهی ایران اسلامی به عنوان شاخصی در جایگزینی مردم‌سالاری با نظام سلطنتی مورد بحث قرار می‌گیرد و نشان داده می‌شود که جریان تکفیر به نیابت از نظام‌های سلطنتی و جبهه استکبار، با هدف سرکوب نمودن نظام‌های مردم‌سالار و بیداری اسلامی روی کار آمده است. رویکرد تکفیر و تفرقه‌گرایی نشأت گرفته از تکفیر مسلمانان، مشکلی عمده در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی است و به عنوان نتیجه عملکرد گروه‌های تکفیری و نظام سلطنتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. داعیه احیای خلافت اسلامی که از سوی جریان‌ات تکفیری مطرح شده و به عنوان الگو و آرمان این گروه‌ها مطرح شده، در دو فصل آخر بررسی می‌شود. با رویکرد «نگاهی از درون» به تحلیل و مقایسه الگوی خلافت در اندیشه اصیل اسلامی و اندیشه جریان‌ات تکفیری می‌پردازیم و با استناد به رویکرد رهبران اسلام اصیل و رهبران جریان سلفی تکفیری، تضاد موجود در نگرش آنها نسبت به حکومت و سیاست تبیین و تحلیل می‌شود. در این تحلیل اشکالات نظام سلطنت موروثی و خلافت راشده و عدم تطابق الگوهای حکومتی مذکور با برخی معیارهای تمدن اسلامی همچون عقلانیت و الگوی دینی حکومت، تحلیل می‌شود.

۸-۱. روش جمع آوری اطلاعات:

با استفاده از منابع دست اول، شامل فیش برداری از کتب و مقالات علوم سیاسی و بیداری اسلامی و تمدن پژوهی، همچنین کتب تاریخ و کتب تفسیر و کتب روایی و نرم افزارهای علمی و همچنین کتب و مقالات معاصر در این موضوعات جهت شناخت مبانی گروه های تکفیری و اختلاف آن با مبانی اسلامی، و استفاده از آمار و ارقام ارائه شده در رسانه ها و همایش های بین المللی جریانات تکفیری، اطلاعات مورد نظر جمع آوری شده است.

۹-۱. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

در روش توصیفی تحلیلی با تحلیل های تاریخی سیاسی مبانی و عملکرد گروه های تکفیری توصیف می شود و نظریه احیای خلافت اسلامی که مورد تاکید جریانات تکفیری است، به صورت مبنايي و در چارچوبی منطقی، از منظر عقل و دین مورد نقد قرار می گیرد. و تاثیر آن و دیگر مبانی جریان های تکفیری بر تمدن نوین اسلامی با استناد به مطالب به دست آمده از منابع مذکور، مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

بخش سوم (پیشینه موضوع پژوهش):

۱۰-۱. تعریف مفاهیم اصلی:

تمدن: تمدن در لغت به معنای شهرنشینی و خوگرفتن به آن است (ابن منظور، ۱۹۹۷م: ج ۲، ص ۱۰۳؛ مهیار، ۱۳۵۷: ص ۲۵۸). برخی از متفکران همچون آلفرد وبر جامعه شناس آلمانی تمدن را معادل فرهنگ مادی می داند که می تواند به مدد دانش علمی و فنی در منابع طبیعی به دست آید (لوئیس کوزر، ۱۳۷۸: ص ۱۵۰). دیدگاه طیف وسیعی از متفکران بیانگر تاثیر بسیار بالای فرهنگ و آیین و هنجارهای جامعه بر ساخت تمدن است به نحوی که ادوارد تایلر و گلدن وایزر مردم شناس شهیر انگلیسی، فرهنگ و تمدن را مجموعه ای به هم پیوسته از دانش ها، اعتقادات، هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم می دانند (لوئیس کوزر، ۱۳۷۸: ص ۱۵۱). شکل یافتن تمدن بشری و نحوه ساخت آن به شدت تحت تاثیر آموزه ها و تعالیم فرهنگی در ابعاد مختلف زندگی بشری است. متناسب با این نظر که فرهنگ و آیین جامعه را عامل تشکیل تمدن و تعیین کننده در مختصات آن می داند؛ برخی متفکران همچون اسوالد اشپنگلر بر این باور اند که تمدن ها مرحله ای خاص از فرهنگ هستند و در واقع تمدن ها نقطه پایان تکامل فرهنگ جوامع می باشند (کاظمی، ۱۳۷۶: ص ۳۹). ویل دورانت تمدن را در اصطلاح عبارت از

تحقق نظمی اجتماعی می‌داند که خلاقیت فرهنگی را امکان‌پذیر می‌سازد (ویل دورانت، ۱۳۳۷: ج ۱، ص ۳). ابن‌خلدون، از دانشمندان بزرگ اسلامی؛ اجتماع و تعاون، وجود دولت و قانون و نظم را از ارکان مهم تمدن می‌داند (ابن‌خلدون، بی تا: ص ۲۱۸-۲۱۷). معنای مدنیتی که مقتضای فطرت توحیدی است، شهرنشینی (و زندگی مادی تهی از پشتوانه‌های معنوی) در برابر زندگی روستائینی نیست، زیرا انسان مادی، اگر در شهر هم به سر برد، از حضارت و تمدن اصیل محروم است؛ کما این‌که انسان الهی اگر در روستا هم زندگی کند، از تمدن ناب فطرت برخوردار می‌باشد (جوادی آملی، بی تا: ج ۵، ص ۲۴۱). در اصطلاح تمدن عبارت از نظم و مرحله تکاملی از اجتماع است که در نتیجه وجود آن، پاسخ‌دهی مناسب به نیازهای معنوی و مادی انسان امکان‌پذیر می‌شود و وحشیگری از میان رفته و رفتار خردمندانه و کاربرد منابع طبیعی و انسانی به اوج خود می‌رسد. دیانت، عقلانیت، حکومت، امنیت، پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سنن اخلاقی، علوم و کوشش در راه معرفت و بسط هنر از ارکان اساسی تمدن هستند (نجفی، ۱۳۹۱: ص ۱۷).

اهمیت دین در تمدن: از اساسی‌ترین و مهم‌ترین ارکان تمدن، دین و مذهب است که می‌تواند با ابزارهای معنوی و فراملیتی، ضمن هدایت جامعه، به تمدن نیز هویت بخشد. دستاورد انبیای الهی و ادیان آسمانی در جهت تمدن‌سازی برای بشریت، از دیدگاه دانشمندان اسلامی و غربی امری انکارناپذیر و قطعی است. ویل دورانت، توین بی، سمز کلر، گوستاولوبون، کریشان و بسیاری از جامعه‌شناسان بزرگ غرب، پیامبران الهی را در تمدن‌سازی، پیشگام‌ترین انسان‌ها، (توین بی، ۱۳۵۳: ص ۲۲ و ۲۰۷) و مذهب را اولین عامل در به‌وجود آوردن نظم تمدنی دانسته‌اند (حجازی، بی تا: ص ۲۵).

تمدن نوین اسلامی: ابن‌خلدون وجود دولت و قانون و نظم برخاسته از آن را لازمه تمدن دانسته است (ابن‌خلدون، بی تا: ص ۲۱۸-۲۱۷). برقراری امنیت، تقویت و حفظ وحدت اقشار مختلف، گسترش عدل و رفاه اجتماعی و نهادینه کردن فرهنگ دینی در جامعه، از مبانی مهم و اساسی تمدن اند که به میزان فراوانی تحت تاثیر عملکرد نهاد حکومتی تحقق خواهند یافت. در کنار نقش مردم و فرهنگ، حکومت تاثیر بسزایی در ایجاد مبانی تمدنی دارد. به همین جهت در تمدنی آتی که قرار است اسلامی باشد، الگوی حکومتی و نوع حکومت می‌بایست اسلامی باشد و نفس حکومت می‌بایست بر اساس اصول اصیل اسلامی روی کار آید؛ در این صورت می‌توان انتظار داشت که حکومت روی کار آمده، عملکردی اسلامی داشته باشد؛ عملکردی که در نهایت به تشکیل تمدن نوین اسلامی بیانجامد. تمدن عصر طلایی (قرون سوم تا پنجم هجری قمری) با تمام بزرگی و هیمنه‌ای که داشت، بر اثر ضعف‌هایی که داشت دارای ضعف و رکود شد و در انزوا قرار گرفت. در شکل‌دهی به تمدن

نوین می بایست ضعف‌ها و کاستی‌های تمدن عصر طلایی برطرف شود. از مهم‌ترین ضعف‌های موجود در نظام سیاسی تمدن عصر طلایی، ساختار حکومتی آن بود که بر پایه زور و قهر و غلبه بنا شده بود که از دلایل اساسی به انحراف کشیده شدن تمدن بزرگ اسلامی بود. ضعف نظام حکومتی، در الگوی حکومتی اسلام در تمدن نوین می بایست مرتفع شود. تمدن نوین در جهان اسلام می بایست تمدنی باشد که توسط حکومت‌های مردمی به وجود آید. متناسب با الگوی اصیل اسلامی در حکومت داری، حکومت‌های اسلامی می بایست مردمی باشند و از این رو با نقش آفرینی مردم در تشکیل و تقویت نظام‌های مردم سالار، تمدن نوین می تواند شکل یابد و از ضعف الگوی حکومتی سلطنت در نظام‌ها و تمدن گذشته در جهان اسلام مبرا باشد.

برخلاف تمدن اسلامی قرن سوم و چهارم که در آن تمدن، الگوی حکومتی از نوع سلطنت تغلبی و استبدادی و تحت تاثیر الگوی خلافت راشدین شکل یافت؛ در تمدن نوین اسلامی الگوی خلافت راشدین و همچنین سلطنت موروثی نتیجه بخش نیست و مردم و حکومت‌های مردمی زیر بار سلطنت‌های موروثی و استبدادی نمی روند. در الگوی حکومتی خلافت راشدین^۱ و سلطنت موروثی^۲، مردم در تعیین حاکم و دست‌نشانده‌های او دخل و تصرفی نداشتند، بلکه صرفاً از سیاست‌های دستگاه حکومتی تبعیت می کردند. تاکید ما در این تحقیق بر این مساله است که الگوی سلطنتی حکومت، جایگاهی در اسلام اصیل ندارد و در طول قرون متوالی بر مسلمانان و جامعه اسلامی تحمیل شده و با چنین الگوی حکومتی نمی توان تمدنی را بنا نمود که به معنای حقیقی، اسلامی باشد.

تمدنی را به معنای واقعی می توان اسلامی نامید که طبق اصول و معیارهای اسلام اصیل شکل یابد و بر همین اساس جامعه را مدیریت کند و قدرت و ثروت جامعه در آن به شیوه صحیح تقسیم شود. در تمدن اسلامی بیت‌المال برای همه مسلمانان است و منافع آن برای عموم مسلمانان صرف می شود؛ قدرت سیاسی و اهرم‌های قدرت و به خصوص حاکمیت سیاسی متعلق به عموم مردم است و انتخاب شده عموم مردم، قدرت سیاسی را در اختیار می گیرد و جامعه را مدیریت می کند. تمدن قرون دوم تا پنجم چنین مشخصاتی نداشته و تمدن نوین اسلامی می بایست شرایط مذکور را داشته باشد.

^۱ مراد از خلافت راشدین خلافت سه خلیفه نخست و طریقه تشکیل حکومت آنهاست که با شیوه روی کار آمدن علی علیه السلام متفاوت است. هرچند اهل سنت علی علیه السلام را هم جزء چهار خلیفه راشد می دانند.

^۲ الگوی سلطنت موروثی برگرفته از الگوی خلافت راشدین و نتیجه آن بود. در این الگو یک خاندان حکومتی به شیوه موروثی و با تکیه بر زور و غلبه، حکومت و سایر اهرم‌های قدرت و ثروت جامعه را در انحصار خود قرار می دهد.

حکومت اسلامی: منظور از حکومت اسلامی، حکومتی است که بر اساس الگوی اصیل حکومتی اسلام روی کار آید و پس از تشکیل، بر اساس اصول اسلامی جامعه را مدیریت و رهبری نماید. الگوی اصیل حکومتی در اسلام می‌بایست برگرفته از مبانی و اصول مورد نظر از منظر اسلام و سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام در تشکیل حکومت و مدیریت و رهبری جامعه باشد. الگوی اصیل حکومتی اسلام متفاوت با خلافت راشد و سلطنت تغلّبی و آرمان و عملکرد گروه‌های رادیکال تکفیری است. حکومت دینی، حکومتی دینمدار است یعنی دین اسلام و اصول آن، ملاک و معیار و مبنا در نحوه تشکیل حکومت و رهبری جامعه است. الگوی اصیل اسلامی در حکومت داری، به شدت در تناسب با اراده و خواست مردم در تشکیل حکومت افراد است؛ برگزیدگان الهی برای حکومت همچون پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام در صورتی به تشکیل حکومت اقدام کرده‌اند که خواست و اراده عموم مردم را همراه و هماهنگ با خود دیده باشند. مردم سالاری دینی، تنها الگوی حکومتی مورد نظر اسلام است که وحدت مردم و مسئولین را به بالاترین حد ممکن می‌رساند و در پرتو همین وحدت و یکپارچگی، اقتداری محقق می‌شود که ایجاد تمدن نوین اسلامی را ممکن می‌سازد؛ تمدنی که در آن مردم نقش اساسی دارند. مردم سالاری دینی، همان الگوی اصیل حکومتی اسلام است؛ در این الگوی حکومتی، قدرت و ثروت جامعه مهار شدنی و قابل کنترل است و مردم در ارکان قدرت و ثروت و حق حاکمیت به شدت دخیل هستند و همین مساله موجبات تلاش و کوشش مضاعف اقشار مختلف و رشد و تعالی جامعه را فراهم می‌سازد.

بیداری اسلامی: بیداری اسلامی حرکت علمی و عملی ملل اسلامی در بازگشت به اصول اسلامی و مقابله با استبداد و استعمار و برچیدن نظام‌های مستبد سلطنتی و وابسته به غرب و ایجاد مردم سالاری دینی است. مردم سالاری دینی تاکنون به شکل‌گویی موفق در نظام جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآمده است و تمدن نوین اسلامی می‌تواند بر همین اساس و با تبعیت از این الگو از جانب دیگر ملل اسلامی امکان تحقق داشته باشد. نظام «جمهوری اسلامی» در تشکیل و ساخت تمدن نوین اسلامی نقش محوری دارد. گذشت چهار دهه از تاسیس نظام مردم سالار و دینمدار در ایران و استقرار و ماندگاری مقتدرانه این نظام در برابر هجمه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی و نظامی، «مردم سالاری دینی» را به عنوان الگوی سیاسی این نظام به الگویی برای دیگر ملل اسلامی تبدیل نموده و بیداری و قیام بسیاری از ملل اسلامی را در برابر سلاطین خودکامه تشدید نموده است. در صورت تداوم این بیداری در جنبش‌های مردمی جهان اسلام، سرنوشتی نظام‌های مستبد و تشکیل تمدن